

Research Article

Emamatpajouhi,
Thirteenth year, vol .2
Autumn & Winter 2023
DOI:10.22034/
jep.2026.531908.1668
jep.emamat.ir



An Analytical Reassessment of the Restrictive Force of ‘Innama’ in the Verse of Wilaya^{*}

Alireza Soleimani¹ / Hossein Mirnezami²

Abstract

Innama is a frequent Arabic particle of restriction in the Qur'an. Some exegetes and theologians question its restrictive force in Qur'an 5:55, thereby disputing the verse's proof of Imam Ali's (A.S.) wilaya after the Messenger of God (P.B.U.H.). Denying restriction in innama, some generalize the verse to all believers and interpret wali merely as friend or helper. Using a descriptive-analytical method and a critical approach, this study evaluates views on innama and its restrictive function in Qur'an 5:55. It draws on lexicography, grammar, rhetoric, legal theory, and exegesis to identify the conventional meaning understood by the verse's first audience. Having established a restrictive meaning, the study argues that, although absolute restriction may obtain under certain conditions, the evidence here more strongly supports relative restriction.

Keywords: Verse of Wilaya; innama; Surat al-Ma'ida; restriction; qasr.

*. Date of receipt: July 12, 2025, Date of acceptance: September 14, 2025.

1. PhD Student in Qur'an and Hadith Sciences, University of Isfahan, Iran. (Corresponding Author). Alireza77soleimani@gmail.com

2. Level 2 seminary student (grade 10), Higher Institute of Jurisprudence and Islamic Studies. hossein.mir.13779826@gmail.com

قراءة تحليلية لدلالة «إنما» في آية الولاية*

علي رضا السليمانى^١ / حسين ميرنظامي^٢

الملخص

ترد «إنما» كثيراً في القرآن الكريم بوصفها من أدوات الحصر في العربية. وقد شكك بعض المفسرين والمتكلمين في دلالتها على الحصر في الآية ٥٥ من سورة المائدة، بما يثير مناقشات حول الاستدلال بها على ولاية أمير المؤمنين عليه السلام بعد رسول الله ﷺ. فذهب بعضهم، استناداً إلى نفي دلالة «إنما» على الحصر، إلى تعميم مفاد الآية على جميع المؤمنين، وحصر معنى «ولي» في المحبة والنصرة. تقيم هذه الدراسة، بالمنهج الوصفي التحليلي والنقدي، الأقوال في «إنما» ودورها في إفادة الحصر في الآية، وتستند إلى آراء علماء اللغة والنحو والبلاغة والأصول والتفسير لتحديد معناها الموضوع له وفهم أهل عصر النزول منها. وبعد إثبات دلالتها على الحصر، يمكن مع توافر شروط أن يكون الحصر حقيقياً، غير أن الأدلة المذكورة تجعل الحصر الإضافي أرجح.

الكلمات المفتاحية: آية الولاية، «إنما»، سورة المائدة، الحصر، القصر.

*. تاريخ التسليم: ٢٠٢٥/٠٧/١٢، تاريخ القبول: ٢٠٢٥/٠٩/١٤.

١. طالب دكتوراه في علوم القرآن والحديث، جامعة أصفهان، إيران. (المؤلف المسؤول).

Alireza77soleimani@gmail.com

٢. طالب حوزوي في المستوى الثاني (المرحلة العاشرة)، المعهد العالي للفقہ والعلوم الإسلامية.

hossein.mir.13779826@gmail.com

بازخوانی تحلیلی دلالت «إِنَّمَا» در آیه ولایت*

علیرضا سلیمانی^۱ / حسین میرنظامی^۲

چکیده

«إِنَّمَا» به عنوان یکی از ادات حصر در زبان عربی، فراوان در قرآن کریم ذکر شده است. در دیدگاه برخی مفسران و متکلمان، دلالت معنای حصر در آیه ۵۵ سوره مائده با تردیدهایی مواجه است که اثبات ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) بعد از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را با مناقشاتی روبه رو می کند. برخی با استناد به عدم حصر در معنای «إِنَّمَا»، مفاد آیه را بر همه مؤمنین قابل تعمیم دانسته و واژه «ولی» را صرفاً به معنای دوستی و یاری عنوان کرده اند. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد انتقادی، اقوال پیرامون «إِنَّمَا» و نقش آن در دلالت معنای حصر در آیه ۵۵ سوره مائده را مورد ارزیابی قرار داده و معنای وضع شده در این واژه را از دیدگاه علمای علم لغت، نحو، بلاغت، اصول و تفسیر مورد استناد قرار می دهد تا به فهم مردم عصر نزول از این واژه دست یابد. پس از اثبات معنای حصر در این واژه با اتخاذ شرایطی ممکن است حصر حقیقی باشد اما با استدلال های صورت گرفته حصر نسبی صحیح تر به نظر می رسد.

کلیدواژه ها: آیه ولایت، «إِنَّمَا»، سوره مائده، حصر، قصر.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۴/۲۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۶/۲۳.

۱. دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان، ایران. (نویسنده مسئول).

Alireza77soleimani@gmail.com

۲. طلبه سطح ۲ (پایه ۱۰) مؤسسه عالی فقه و علوم اسلامی. hossein.mir.13779826@gmail.com

مقاله پژوهشی

دوفصلنامه علمی-پژوهشی
امامت پژوهی، سال سیزدهم
شماره دوم، شماره پیاپی ۳۴
پاییز و زمستان ۱۴۰۲
صفحه ۴۱ - ۶۶

jep.emamat.ir

DOI:10.22034/jep.2026.531908.1668



copyright© the authors

۱. بیان مسئله

در همه زبان‌ها از جمله زبان عربی، ادوات و اسلوب‌هایی برای انتقال مفاهیم گسترده در عین کوتاهی لفظ وجود دارد. حصر به عنوان یکی از شیوه‌های ایجاز، در کنار گستره عظیم ترکیب‌های شگفت‌آور واژگان قرآن مجید و وجود زیبایی‌های ادبی خارق‌العاده شناخته می‌شود. در میان ۲۳۸۳ آیه از قرآن که در آن از اسلوب‌های متفاوت حصر استفاده شده است، «إِنَّمَا» در ۹۲ آیه و با ۱۱۳ بار تکرار در کل قرآن کریم با مناقشه‌هایی روبه‌رو بوده است که برخی آن را از جمله مناقشاتی می‌دانند که اثبات ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) را با توجه به آیه: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»^۱ را دچار تشکیک می‌کند. اساساً اثبات ولایت ایشان با توجه به این آیه که به آیه ولایت مشهور است، مبتنی بر اثبات سه امر است که عمده مناقشات نیز بر این سه امر استوار است:

(۱) دلالت حصر در معنای «إِنَّمَا»،

(۲) سبب نزول و بیان این آیه در روز غدیر خم توسط پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)،

(۳) دلالت معنای واژه «ولی» به اولی در تصرف.

برخی در پی اثبات معنای ناصر و یاور از واژه «ولی» در آیه ۵۵ سوره مائده، با خلط میان حصر اضافی و حقیقی، «إِنَّمَا» را دال بر حصر ندانسته‌اند. برخی نیز معنای حصر در آیتی که «إِنَّمَا» در آن وجود دارد را به دلیل سیاق کلام و نه واژه «إِنَّمَا» گرفته‌اند، در صورتی که نمی‌توان قائل به این شد که با حذف این واژه همچنان از سیاق کلام حصر متبادر می‌شود. با وجود این، عده‌ای دیگر در آیه ولایت، بدون توجه به حصر در «إِنَّمَا» عبارت «... وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» را عام و شامل همه مؤمنی می‌دانند که در عبادت خداوند خضوع دارند! در حالی که با اثبات حصر «إِنَّمَا»، معنای «ولی» غیر از سلطه و سرپرستی، ناسازگار با آیه خواهد بود و باید توجه داشت که معنای محبت عام، دوستی و محبت در دین، وظیفه همگانی است که با حصر در آیه سازگاری ندارد؛ بنابراین جستار حاضر با بررسی و تحلیل دیدگاه‌های مختلف در دلالت «إِنَّمَا»، نقش این

واژه در آیه ولایت را مورد ارزیابی قرار می‌دهد تا ضمن بررسی دیدگاه علمای علم لغت، نحو، بلاغت، اصول و تفسیر، به کشف صحیح معنای آیه ۵۵ سوره مائده باتوجه به دلالت معنایی واژه «إِنَّمَا» دست یابد.

۲. پیشینه پژوهش

گرچه کتاب‌ها و مقالات بسیاری درخصوص آیه ولایت نوشته شده است؛ اما تاکنون تحلیل و بررسی تفصیلی دلالت «إِنَّمَا» با رویکرد انتقادی و استناد به قواعد ادبیات عرب و دیدگاه‌های اصولی و تفسیری برای پاسخ به شبهات پیرامون آن در میان آثار موجود به چشم نمی‌خورد. در میان برخی کتب همچون: امام‌شناسی علامه طهرانی در قسمتی از جلد پنجم آن در مقام پاسخ به شبهات فخر رازی، مختصراً به دلالت حصر «إِنَّمَا» اشاره و با نقل قولی از تفسیر روض الجنان بیان می‌دارد که این واژه به خلاف نظر فخر رازی که قائل به عدم دلالت «إِنَّمَا» بر حصر است، دال بر حصر است.^۱ همچنین در کتاب امام‌شناسی و پاسخ به شبهات^۲ و نیز کتاب آیات ولایت در قرآن^۳ به اختصار به این مسئله پرداخته شده است که بیشتر ناظر بر ردّ قول فخر رازی است. نزدیک‌ترین کار صورت گرفته به این پژوهش، مقاله‌ای با عنوان «پاسخ به شبهه آلوسی بر امامت امامان براساس نقش «إِنَّمَا» در آیه ولایت» به قلم علی حسن بیگی است که همان‌طور که از عنوان هم مشخص است، ناظر به شبهه آلوسی است که لازمه حصر حقیقی در آیه ۵۵ سوره مائده و انحصار آن در ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) را نفی ولایت سایر امامان دانسته است.^۴ وی در این مقاله به اثبات دلالت «إِنَّمَا» بر حصر و پاسخ به نظرات مخالفان نپرداخته و تنها براساس حصر اضافی، آن هم به دلیل «مجاورات عرفی» درصدد پاسخ به آلوسی و رد دیدگاه او برآمده است.

۱. حسینی طهرانی، محمدحسین، امام‌شناسی، ۲۵۲۵/۵.

۲. رضوانی، علی‌اصغر، امام‌شناسی و پاسخ به شبهات، ۲۲۲/۱.

۳. مکارم شیرازی، ناصر، آیات ولایت در قرآن، ص ۷۴.

۴. حسن بیگی، علی، «پاسخ به شبهه آلوسی بر امامت امامان براساس نقش «إِنَّمَا» در آیه ولایت»، مطالعات تفسیری، ش ۳۹، ص ۷۵.

۳. مفهوم‌شناسی لغوی حصر

«حصر» در لغت به معنای «تنگی»،^۱ «حبس»^۲ و «منع»^۳ آمده است. مجمع‌البحرین ذیل این واژه آورده است: «الحصر: الضيق والانقباض، قال الله تعالى: ﴿أَوْ جَاؤُكُمْ حَصِرَتْ صُدُورُهُمْ﴾»^۴، أي: ضاقت وانقبضت.^۵

به حصر، قصر نیز گفته می‌شود^۶ که جمع آن «قصار» و در لغت به معنای «کوتاهی» و «ضد درازی»^۷ است. اگرچه قصر هم معنی با «حبس»^۸ است و معجم مقاییس اللغة در این باره می‌نویسد: «القصر: الحبس، يقال، قصرته إذا حبسته، وهو مقصور، أي: محبوس»^۹.

اما در حصر، نوعی نگه داشتن همراه با تنگی وجود دارد که در حبس این گونه نیست.^{۱۰}

۴. مفهوم‌شناسی اصطلاحی حصر

در اصطلاح، واژگان «حصر» و «قصر» در یک مفهوم به کار رفته و برای یک معنا استعمال می‌شوند. در تعریف حصر آمده است: اختصاص دادن چیزی به چیز دیگر - مانند اختصاص خبر به مبتدا و برعکس - به طریق مخصوص^{۱۱} به نحوی که شیء اول را محصور (مقصور) و شیء دوم را محصور علیه (مقصور علیه) می‌گویند.^{۱۲}

jep.emamat.ir

۱. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، ۶۳۰/۲؛ قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، ۱۴۷/۲؛ راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، ص ۲۳۸.
۲. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، ۱۴۷/۲.
۳. طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، ۲۷۱/۳.
۴. نساء: ۹۰.
۵. طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، ۲۷۱/۳.
۶. سبکی، احمد بن علی، عروس الأفراح في شرح تلخیص المفتاح، ۲۹۳/۱.
۷. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، ۱۴۷/۲؛ طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، ۴۶۰/۳.
۸. فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر في غریب الشرح الكبير، ۵۰۵/۲.
۹. ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، ۹۶/۵.
۱۰. عسکری، حسن بن عبدالله، الفروق في اللغة، ۱/۱۰۷.
۱۱. مطلوب، احمد، معجم المصطلحات البلاغیة و تطورها، ص ۵۵۹؛ مهندس، کامل، و وهبه، مجدی، معجم المصطلحات العربیة في اللغة والأدب، ص ۱۶۲.
۱۲. دیب، محی الدین، و احمد قاسم، محمد، علوم البلاغة، ص ۳۴۱.

مفتاح العلوم نیز در تعریف حصر این چنین نگاشته است: «معنای قصر این است که نزد شنونده، موصوف را به صفتی معین بدون صفت دیگر اختصاص دهی؛ مانند آنکه بگویی: زید شاعر است نه منجم، در برابر کسی که باور دارد زید هم شاعر است و هم منجم»^۱

أدبا طرق مختلفی برای حصر برشمرده‌اند که مشهورترین این طرق، عبارت‌اند از:
حصر به واسطه نفی و استثنا،
إنما و إنما،

تقديم ما حقه التاخير،

عطف با «لا»، «بل» و «لكن»^۲.

از آنجا که حصر، اثبات حکم برای موردی معین و نفی آن حکم از موارد دیگر می‌کند،^۳ جایگزین دو جمله شده و موجب می‌شود علاوه بر اینکه مفهوم‌سازی دقیقی در ذهن مخاطب شکل گیرد، به توهّمات موجود نیز پاسخ می‌دهد؛ لذا از اغراض حصر می‌توان به تعیین، دفع توهّم، مفهوم‌سازی دقیق تعاریف به‌ویژه در مطالب علمی، تعظیم، مدح و ستایش، مبالغه، تحقیر، تعریض، کنایه و بسیاری دیگر از موارد اشاره کرد.

حصر به اعتبار طرفین خود به «موصوف بر صفت» و «صفت بر موصوف» تقسیم می‌شود که هر کدام یا حقیقی هستند و یا اضافی. زمانی که مقصور به حقیقت و واقع، ویژه مقصور علیه شود، حصر از نوع حقیقی و زمانی که مقصور، مختص مقصور علیه گردد و این اختصاص، نسبت به چیز مشخص دیگری باشد، نه نسبت به هر چه غیر از مقصور علیه است، حصر از نوع اضافی خواهد بود؛^۴ مانند این شعر سعدی که می‌گوید:

عبادت به جز خدمت خلق نیست به تسبیح و سجاده و دلق نیست

۱. «معنی القصر راجع الی تخصیص الموصوف عند السامع بوصف دون ثان، کقولک: زید شاعر لا منجم، لمن یعتقده شاعراً ومنجماً»؛ سکاکی، یوسف بن محمد، مفتاح العلوم، ص ۴۰۰.

۲. هاشمی، احمد، جواهر البلاغة، ص ۱۴۹-۱۵۲.

۳. رازی، ابوالفتوح حسین بن علی، روض الجنان وروح الجنان، ۲۵/۷؛ سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الإقتان فی علوم القرآن، ۶۵/۲؛ هاشمی، احمد، جواهر البلاغة، ص ۱۴۹.

۴. هاشمی، احمد، جواهر البلاغة، ص ۱۵۳.

حصر نسبی نیز به سه دسته «قصر افراد»، «قصر قلب» و «قصر تعیین» تقسیم می‌شود که متناسب با حال مخاطب از آنها استفاده می‌نماییم.^۱ به‌طور مثال زمانی که تصور شود چند شخص یک ویژگی مشترک دارند؛ اما آن ویژگی تنها در یک نفر باشد، از قصر افراد (نفی شرکت و اشتراک) و زمانی که مخاطب به حکمی اعتقاد داشته باشد؛ اما خلاف آن صحیح باشد، از قصر قلب (واژگون کردن و برعکس کردن) و هنگامی که در تردید دو شیء یک مورد صحیح باشد از قصر تعیین (مشخص کردن) استفاده می‌نماییم.^۲

۵. شأن نزول آیه ولایت

ولایت همچون سایر مسائل دینی نیازمند تفسیر و توضیح است که پیامبر گرامی اسلام ﷺ در تمام مدت رسالت خود، به مناسبت‌های مختلف و در وقایع متفاوت، به این مهم پرداخته‌اند. یکی از مهم‌ترین این مناسبت‌ها واقعه سبب نزول آیه ۵۵ سوره مائده است که از نظر مفسران و متکلمان امامیه این آیه از مهم‌ترین آیاتی محسوب می‌شود که ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) را اثبات می‌کند.

درخصوص روایات شأن نزول آیه ۵۵ سوره مبارکه مائده، نزدیک به نوزده شبهه مطرح شده است. بررسی و پاسخ به این شبهات، موضوع پژوهش‌ها و فعالیت‌های فراوانی قرار گرفته است و از آن‌جا که در این مجال فرصت توضیح و پرداختن به آنها نیست، از بحث درباره آنها خودداری می‌کنیم؛ با این حال، به‌طور کلی می‌توان گفت که این اشکالات عمدتاً ناظر به صدور یا محتوای روایات است و بیشتر آنها ادعاهایی متعصبانه است که در کتاب منهاج السنة النبویة مطرح شده است.^۳

در کتاب شواهد التنزیل ۲۴ روایت از طرق مختلف، ذیل این آیه شریفه نقل شده است^۴ و تفاسیر و آثار شیعه نیز سرشار از روایاتی هستند که شأن نزول آیه را تنها به

۱. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الإیتقان فی علوم القرآن، ۶۵/۲.

۲. کرمانی، محمد بن یوسف، تحقیق الفوائد الغیاثیة، ۴۹۵/۱-۴۹۷؛ هاشمی، احمد، جواهر البلاغة، ص ۱۵۶.

۳. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، منهاج السنة، ۵/۷-۳۰.

۴. حسکانی، عبیدالله بن عبدالله، شواهد التنزیل، ۲۰۹/۱.

ماجرای صدقه دادن انگشتر توسط امیرالمؤمنین (علیه السلام) بازمی گردانند.^۱ حسانی به نقل از ابن عباس روایت کرده است که این آیه به طور خاص درباره امیرالمؤمنین (علیه السلام) نازل شده است.^۲ همچنین در تفسیر کبیر فخر رازی، ذیل آیه ۵۵ سوره مائده، نقل شده است که: «هنگامی که این آیه نازل شد، عبدالله بن سلام به پیامبر (صلی الله علیه و آله) عرض کرد: «ای رسول خدا! من خود دیدم که علی در حال رکوع، انگشتر خویش را به نیازمندی بخشید، پس ما او را به عنوان ولی خود می پذیریم.»^۳

افزون بر این، در همین تفسیر از ابوذر غفاری (رضی الله عنه) چنین روایت شده است: روزی همراه پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) نماز ظهر می خواندم. در همان حال نیازمندی در مسجد درخواست کمک کرد؛ اما کسی چیزی به او نداد. آن مرد دست به سوی آسمان بلند کرد و گفت: خدایا! گواه باش که من در مسجد پیامبر (صلی الله علیه و آله) درخواست یاری کردم و هیچ کس چیزی به من نداد. در همین هنگام، علی (علیه السلام) در حال رکوع بود؛ با انگشت کوچک دست راستش، که انگشتری در آن بود، به سائل اشاره کرد. نیازمند پیش آمد و انگشتر را برگرفت، و این واقعه در برابر دیدگان پیامبر (صلی الله علیه و آله) رخ داد. پس از این صحنه، پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند: پروردگارا! برادرم موسی از تو خواست و گفت: پروردگارا! سینه ام را گشاده گردان ... و از خاندانم برادرم هارون را وزیر من قرار ده، پشت مرا به او محکم کن و او را شریک کارم قرار ده.^۴ و تو در پاسخ فرمودی: بازویت را به وسیله برادرت استوار می سازیم و برای

۱. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۳/۳۲۸؛ طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، ۳/۵۵۹؛ صدوق، محمد بن علی، الأمالی، ۱/۱۲۴؛ رازی، ابوالفتوح حسین بن علی، روض الجنان وروح الجنان، ۲/۲۱۷؛ بحرانی، هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، ۲/۳۱۵ و ۲/۳۱۷؛ حویزی، عبد علی بن جمعه، نور الثقلین، ۶/۶۴۳؛ فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، الوافی، ۲/۲۷۸؛ کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی، ۱/۱۲۴؛ عیاشی، محمد بن مسعود، التفسیر (تفسیر العیاشی)، ۱/۳۲۷؛ بلخی، مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل بن سلیمان، ۱/۴۸۶.

۲. حسانی، عبیدالله بن عبدالله، شواهد التنزیل، ۱/۲۱۰.

۳. رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، ۱۲/۳۸۳.

۴. «قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي * ... وَأَشْرِكُهُ فِي أَمْرِي» طه: ۳۲، ۲۵.

شما دو تن قدرت و برتری قرار می دهیم.^۱ پروردگارا! من نیز محمد، پیامبر و برگزیده تو هستم؛ پس سینه‌ام را گشاده گردان، کارم را آسان کن و از خاندانم، علی علیه السلام را وزیر من قرار ده و پشت مرا به او محکم گردان.^۲

بنابراین، علاوه بر اینکه روایات صحیح‌السند متعددی را می‌توان در این خصوص نام برد که نشان از اجماع شأن نزول این آیه در موضوع خاتم‌بخشی امیرالمؤمنین علیه السلام در رکوع نماز دارد،^۳ بسیاری از مفسران و علمای اهل سنت نیز در کتب خود به این مطلب اشاره نموده‌اند.^۴

۶. بررسی و تحلیل نظرات پیرامون دلالت معنایی «إِنَّمَا»

«إِنَّمَا» به عنوان یکی از ادات اصلی حصر، متشکل از «إِنْ» + «مَا» است که «إِنْ» جزء حروف مشبّهة بالفعل^۵ و «مَا» از نوع زائده کافه است.^۶ این قسم از «مَا» زمانی که بر

۱. «قَالَ سَتَشِدُّ عَضْدَكَ بِأَخِيكَ وَنَجْعَلُ لَكُمَا سُلْطَانًا فَلَا يَصِلُونَ إِلَيْكُمَا بِأَيَاتِنَا أَنْتُمَا وَمَنْ اتَّبَعَكُمَا الْغَالِبُونَ» قصص: ۳۵.

۲. رازی، محمد بن عمر، التفسير الكبير (مفاتيح الغيب)، ۳۸۳/۱۲.

۳. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تاویل القرآن، ۴۲۵/۱۰؛ ابن ابی حاتم رازی، عبد الرحمن بن محمد، تفسیر القرآن العظیم، ۱۱۶۲/۴؛ طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الأوسط، ۲۱۸/۶؛ حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، معرفة علوم الحديث، ص ۱۰۲؛ ثعلبی، احمد بن محمد، الكشف والبيان عن تفسير القرآن، ۸۰/۴؛ سمعانی، منصور بن محمد، تفسیر القرآن، ۴۷/۲؛ واحدی نیشابوری، علی بن احمد، أسباب النزول، ص ۱۳۳؛ حسکانی، عبیدالله بن عبدالله، شواهد التنزیل، ۲۵۹/۱-۲۵۶؛ ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ مدینة دمشق، ۳۵۷/۴۲؛ ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، جامع الأصول فی احادیث الرسول، ۶۶۴/۸.

۴. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، ۲۲۱/۶؛ خطیب، عبدالکریم، التفسیر القرآنی للقرآن، ۱۱۲۴/۳؛ سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الدر المنثور، ۱۰۵/۳؛ ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، ۱۲۶/۳؛ بلخی، مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل بن سلیمان، ۴۸۶/۱؛ جصاص، احمد بن علی، أحكام القرآن، ۱۰۲/۴ و... .

۵. «در تعداد حروف مشبّهة بالفعل، میان عالمان علم نحو اختلاف است؛ گروهی این حروف را شش (سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، البهجة المرضیة علی ألفیة ابن مالک، ص ۱۱۸؛ ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، البديع فی علم العربية، ۵۳۴/۲) و گروهی دیگر آنها را پنج مورد می‌دانند» (انطاکی، محمد، المنهاج فی القواعد و الإعراب، ص ۱۸؛ سیبویه، عمرو بن عثمان، کتاب لسیبویه، ۱۳۱/۲).

۶. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، البديع فی علم العربية، ۵۴۱/۲؛ انصاری، ابن هشام، مغنی اللیب عن کتب الأعاریب، ۴۰۴/۱.

سر حروف «إِنَّ» و «أَنَّ» مشبهة بالفعل می‌آید، از لحاظ لفظی، آنها را از عمل بازداشته و اختصاصشان به جمله اسمیه را از بین می‌برد^۱ و آنها را آماده داخل شدن بر جمله فعلیه می‌کند.^۲ مفتاح العلوم نیز از قول علی بن عیسی ربعی بیان می‌دارد که در «إِنَّمَا» اجتماع دو تأکید (در کنار هم) افاده حصر می‌کند.^۳

بزرگان معتقدند حصری که در «إِنَّمَا» وجود دارد بر حصر به وسیله عطف برتری دارد؛ چراکه اثبات حکم و نفی از آن را یک مرتبه و به صورت «دفعه واحدة» به مخاطب نشان می‌دهد و اینطور نیست که مانند عطف، اول اثبات فهمیده شود سپس نفی و یا برعکس.^۴ همچنین این واژه متضمن معنای نفی و استثنا است و حکم را به ما بعد خود اختصاص داده و از غیر آن سلب می‌کند. جمهور علمای نحو و اصول بر این عقیده‌اند که با آمدن «ما کافه» بر سر «إِنَّ»، معنای تأکید کلام از بین رفته و «إِنَّ» همراه با این «ما» افاده حصر می‌کند.^۵ با وجود این بزرگانی چون: فخر رازی، ابوحیان اندلسی، آلوسی، شیخ انصاری و سید مصطفی خمینی دیدگاه متفاوتی دارند که برخی از این نظرات گرچه ذیل آیه ۵۵ سوره مائده به آن پرداخته نشده است؛ اما تعمیم آن بر آیه مذکور نتیجه یکسانی را به دنبال خواهد داشت. در ادامه این نظرات را بیان نموده و مورد تحلیلی و ارزیابی قرار خواهیم داد.

۱-۶. مدعای اول: «إِنَّمَا» به معنای تأکید است نه حصر

طبق ترتیب رایج سور قرآن کریم، آیه ۱۱ سوره بقره اولین آیه است که در آن واژه «إِنَّمَا» استعمال شده است؛ از این رو در کتاب تفسیر القرآن الکریم که تنها شامل دو سوره از قرآن کریم است، پیرامون دلالت «إِنَّمَا» ذیل این آیه شریفه، مطالبی ذکر شده است که شاید تعمیم آن بر آیه ولایت و اثبات دلالت حصر در آیه مورد بحث را نیازمند قرائن و شواهد دیگر می‌کند.

۱. یعقوب، امیل بدیع، موسوعة النحو والصرف والإعراب، ص ۱۵۵.

۲. سامرائی، فاضل صالح، معانی النحو، ۳۲۷/۱.

۳. سکاکی، یوسف بن محمد، مفتاح العلوم، ص ۴۰۳.

۴. هاشمی، احمد، جواهر البلاغة، ص ۱۵۲؛ سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الإلتقان فی علوم القرآن، ۶۶/۲.

۵. مظفر، محمدرضا، أصول الفقه، ص ۱۴۱.

مؤلف تفسیر القرآن الکریم دو معنای تأکید و حصر را برای «إِنَّمَا» پذیرفته است؛ اما معنای مشهور را تنها دال بر تأکید و غیر از حصر می‌داند. ایشان بیان می‌دارد که اگرچه معروف بین متأخرین دلالت «إِنَّمَا» بر حصر مشخص است؛ اما اهل لسان، شهادتی بر حصر در «إِنَّمَا» نداده‌اند و طبق اصل اطراد حصر از آن برداشت نمی‌شود.^۱ در جواب باید گفت از معاجم قدیمی لغت تا اواسط قرن هشتم، شش نفر از علمای لغت به معنای «إِنَّمَا» اشاره کرده‌اند که پنج نفر از آنان قائل به معنای حصر، به نحو موضوع له بودن این معنا برای «إِنَّمَا» شده‌اند. از جمله این کتب می‌توان به: التهذیب،^۲ صحاح،^۳ المفردات،^۴ قاموس المحيط^۵ و عمدة الحفاظ^۶ اشاره کرد. اگرچه در این معاجم از اصطلاحات فنی اصولی مانند «موضوع له» یا «وضع» استفاده نشده است اما قرائن نشان از این معنا دارد. شاهد این مطلب عبارت فیومی در کتاب مصباح المنیر است:

قيل تقتضي الحصر. قال الجوهري إذا زدت (ما) على (إنّ) صارت للتعين كقوله تعالى: ﴿إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ﴾ لآنه يوجب إثبات الحكم للمذكور ونفيه عما عداه؛^۷

گفته شده است که «إِنَّمَا» اقتضای حصر دارد. جوهری می‌گوید: اگر «ما» را به «إنّ» اضافه کنید، برای تعیین و اختصاص معنا به کار می‌رود؛ مانند آیه ﴿إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ﴾؛ زیرا این ساختار موجب می‌شود حکم تنها شامل مورد ذکر شده باشد و دیگران در آن داخل نباشند.

در عبارت بالا واژه «قيل» روشن می‌کند که جمله «إِنَّمَا تقتضي الحصر» نقل قول فیومی از اهل لغت (به‌ویژه ازهری) است و نه اجتهاد و نظر شخصی او. تعبیر «تقتضي الحصر» نیز دلالت بر آن دارد که «إِنَّمَا» نه صرفاً در استعمال بلکه در حقیقت و ذات

۱. موسوی خمینی، سید مصطفی، تحریرات فی الأصول، ۳/۳۹۹؛ همو، تفسیر القرآن الکریم، ۵/۱۸۶.

۲. ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغة، ۱۵/۳۶۶ و ۳۸۴.

۳. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، ۵/۲۰۷۳.

۴. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، ص ۹۲.

۵. فیروزآبادی، مجد الدین، القاموس المحيط، ۴/۱۹۸.

۶. سمین، احمد بن یوسف، عمدة الحفاظ فی تفسیر أشرف الألفاظ، ۱/۱۵۱.

۷. فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، ۱/۲۶.

خویش اقتضای حصر دارد. در صورتی که اگر فیومی به عنوان لغوی بیان می‌داشت: «إِنَّمَا تستعمل للحصر»، معنایش آن بود که «إِنَّمَا» در کاربردهای زبانی چنین مفهومی را می‌رساند، بی‌آنکه لزوماً در ذات آن نهفته باشد. فیومی با ذکر نظر جوهری تصریح می‌کند که در زبان عربی «إِنَّمَا» دلالت بر تعیین دارد؛ یعنی حکم تنها شامل مورد ذکر شده است و دیگران را دربر نمی‌گیرد. تعبیر «یوجب إثبات الحكم للمذكور ونفيه عما عداه» همان معنای دقیق و کامل حصر است که به عنوان شاهد دیگری بر صحت این مطلب می‌توان از آن یاد نمود؛ بنابراین، این مسئله نشان می‌دهد که نزد بسیاری از علمای لغت، حصر بخشی از معنای اصلی و ذاتی این ترکیب بوده است. علاوه بر این، بسیاری از علمای علم تفسیر،^۱ اصول^۲ و دانشوران بلاغی^۳ معنای حصر برای

۱. ابن عاشور، محمد طاهر، تفسیر التحریر والتنویر، ۱۳۸/۵؛ طبرسی، فضل بن حسن، جوامع الجامع، ۳۲۲/۳؛ زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل وعیون الأقوال فی وجوه التأویل، ۶۲/۱ و ۱۳۹؛ طباطبائی (المجاهد)، سید محمد بن علی، مفاتیح الأصول، ۱۰۵/۱؛ رازی، ابوالفتح حسین بن علی، روض الجنان وروح الجنان فی تفسیر القرآن، ۲۵/۷؛ خازن، علاء الدین علی بن محمد، لباب التأویل فی معانی التنزیل، ۱۰۴/۲؛ نیشابوری، نظام الدین حسن بن محمد، تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، ۶۰/۳؛ طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ۶/۶؛ نسفی، عبدالله بن احمد، تفسیر النسفی (مدارک التنزیل وحقایق التأویل)، ۱۳۹/۳؛ سید مرتضی، علی بن حسین، تفسیر الشریف المرتضی، ۱۵۹/۲.

۲. خراسانی، محمد کاظم، کفایة الأصول، ص ۲۱۱؛ خویی، سید ابوالقاسم، مصباح الأصول، ۳۲۸/۲؛ همو، محاضرات فی الأصول، ۱۴۰/۵؛ اصفهانی، ابوالحسن، وسیلة الوصول إلى حقائق الأصول، ۳۶۱/۱؛ مظفر، محمدرضا، أصول الفقه، ص ۱۴۱؛ صدر، سید محمد باقر، الحلقة الثالثة، ص ۳۶۳؛ حاج عاملی، شیخ محمد حسین، إرشاد العقول إلى مباحث الأصول، ۴۵۳/۲؛ مکارم شیرازی، ناصر، أنوار الأصول، ۶۱/۲؛ قاضی ابویعلی، محمد بن حسین، العدة فی أصول الفقه، ۲۰۵/۱؛ غزالی، ابوحامد، إحياء علوم الدین، ۱۶۵/۱۴؛ خطابی، حمد بن محمد، معالم السنن وهو شرح سنن أبي داود، ۲۴۴/۳.

۳. خطیب قزوینی، محمد بن عبدالرحمن، الإيضاح فی علوم البلاغة، ۲۵/۳؛ تفتازانی، مسعود بن عمر، مختصر المعانی، ص ۱۲۰؛ همو، المطول وبهامشه حاشية السيد ميرشريف، ص ۲۱۱؛ جرجانی، عبدالقاهر بن عبدالرحمن، دلائل الإعجاز، ص ۳۳۵؛ علوی، یحیی بن حمزة، الطراز المتضمن لأسرار البلاغة وعلوم حقائق الإعجاز، ۱۰۶/۲؛ طیبی، حسین بن محمد، التبیان فی البیان، ص ۸۱؛ سکاکی، یوسف بن محمد، مفتاح العلوم، ص ۴۰۲؛ زرکشی، محمد بن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، ۲۰/۴.

«إِنَّمَا» را پذیرفته‌اند. همچنین در کتب أعاریب القرآن مانند: الدر المصون^۱ و التبیان^۲ در آیات مختلف به معنای حصر برای «إِنَّمَا» تصریح شده است. به نظر می‌رسد این مسئله برای قدما چنان واضح و مشخص بوده است که ابوعلی فارسی آن را از اجماع نحات دانسته و مؤلف کتاب نه‌ایه الوصول إلى علم الأصول به قول او اشاره می‌کند و نقل وی را حجت می‌داند.^۳ این دیدگاه با نظرات معاصر نیز همخوانی دارد به گونه‌ای که نویسندۀ کتاب الإلتقان اذعان می‌کند که علما، چه از طریق مفهوم و چه از طریق منطوق، قائل به حصر در «إِنَّمَا» هستند و بعضی از آیات قرآن، همچون، ۲۰ آل عمران، ۴۰۳ اعراف،^۴ ۹۳ توبه، ۴۲ شوری^۵ را جز با در نظر گرفتن حصر در «إِنَّمَا» فهم نمی‌شود.^۶ بنابراین، با استنادهای مذکور، اطراد نسبتاً کاملی به وجود می‌آید و طبق اصل اطراد، سخن ایشان پیرامون معنای «إِنَّمَا» تأمل بیشتری را می‌طلبد.

۲-۶. مدعای دوم: «إِنَّمَا» دلالت بر حصر نمی‌کند؛ بلکه سیاق جمله حصر را می‌رساند

ابوحیان اندلسی در خصوص دلالت «إِنَّمَا» ادعا دارد که متأخرین از علمای نحو و برخی علمای اصول، «إِنَّمَا» را ترکیب شده از «إِنَّ مؤکده» و «ما نافیه» می‌دانند که این دو با هم افاده حصر می‌کنند. وی در رد این سخن بیان می‌دارد که این قول رکیک و فاسدی است که از غیر عالم به نحو بیان شده است؛ زیرا هنگامی که «ما کافه» بر اخوات «إِنَّ» وارد شود هیچ‌گاه دلالت بر حصر نکرده و هیچ تفاوتی بین

۱. سمین، احمد بن یوسف، الدر المصون فی علوم الکتاب المکنون، ۱۱۹/۱.

۲. عکبری، عبدالله بن حسین، التبیان فی إعراب القرآن، ص ۱۷.

۳. حلی، حسن بن یوسف، نه‌ایه الوصول إلى علم الأصول، ۳۲۷/۱.

۴. «فَإِنْ حَاجُّوكَ فَقُلْ أَسْلَمْتُ وَجْهِيَ لِلَّهِ وَمَنِ اتَّبَعَنِ وَقُلْ لِلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْأُمِّيِّينَ أَسْلَمْتُمْ فَإِنْ أَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ».

۵. «وَإِذَا لَمْ تَأْتِهِمْ بَآيَةٍ قَالُوا لَوْلَا اجْتَبَيْتَهَا قُلْ إِنَّمَا أَتَّبِعُ مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ مِنْ رَبِّي هَذَا بَصَآئِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ».

۶. «إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَنتَهِونَ عَنِ النَّاسِ وَيَتَّبِعُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ».

۷. «إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ».

۸. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الإلتقان فی علوم القرآن، ۶۶/۲.

«لعل زیداً قائم» با «لعل ما زید قام» و همچنین «إِنَّ زیداً قائم» با «إِنَّمَا زید قائم» نیست و معنای حصر از کلامی که در آن «إِنَّمَا» وجود دارد، نه به دلیل وجود این واژه بلکه به دلیل سیاق کلام است که اگر غیر از این بود در کلام خداوند اشکال به وجود می آمد؛ مانند این آیات که خداوند کریم می فرماید: «...إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ»^۱، «قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ»^۲، «إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ مِّنْ يَّحْشَاهَا»^۳. همچنین در ادامه می افزاید که اهل لسان نیز به دلالت معنای حصر در «إِنَّمَا» اشاره نکرده اند.^۴

اگرچه صحیح است که «إِنَّمَا» متشکل از «إِنْ مؤکده» و «ما نافیة» نیست؛ اما با توجه به مطالبی که گذشت، نمی توان قائل به عدم تصریح اهل لغت به دلالت حصر در «إِنَّمَا» شد. از طرفی در جواب استدلال ایشان مبنی بر افاده حصر از سیاق، باید گفت هرچند قیاس، ستون فقرات نحو کلاسیک به شمار می رود و علمای علم نحو، به ویژه اهل بصره، قواعد نحوی را با استقراء به دست آورده و سپس براساس قیاس، ساختار آنها را سامان داده اند، اما در نحو کلاسیک استدلال به قیاس میان جملاتی که صرفاً از نظر ظاهر، ساختاری مشابه دارند، فاقد حجیت است مگر آن که با قرینه یا سماع همراه باشد. بنابراین، صرف قیاس میان جمله ای که در آن «إِنَّمَا» به کار رفته با جمله ای که فاقد آن است، نمی تواند دلیلی برای نفی دلالت «إِنَّمَا» بر حصر باشد. همچنین باید توجه داشت میان حصر اضافی و حقیقی نیز تفاوت هایی وجود دارد که در صورت بی توجهی به آن دچار اشتباه و خطا خواهیم شد. حصر در آیات مورد استناد ایشان، حصر اضافی است که حتی بسیاری از مفسرین اهل سنت نیز به آن اذعان نموده اند.^۵ همچنین در جواب تفاوت بین دو جمله «إِنَّ زیداً قائم» و «إِنَّمَا زید قائم» نویسندگان کتاب مطارح الأنظار از قول مبرد، عالمان بزرگ قرن سوم، آورده است: «أَنَّ الْأَوَّلَ إِبْخَارٌ عَنِ قِيَامِهِ فَقَطْ وَالثَّانِي إِبْخَارٌ عَنِ قِيَامِهِ مَعَ اخْتِصَاصِهِ

۱. رعد: ۷.

۲. کهف: ۱۱۰.

۳. نازعات: ۴۵.

۴. ابوحيان اندلسی، محمد بن يوسف، البحر المحيط في التفسير، ۱۰۰/۱.

۵. رازی، محمد بن عمر، التفسير الكبير، ۵۰۳/۲۱؛ ابن عاشور، محمد طاهر، تفسير التحرير والتنوير، ۸۶/۳ و ۱۴۸/۵ و ۱۴۹/۱۲.

به؛ جمله اول فقط خبر می دهد که زید قائم است و [اما] جمله دوم در مقام بیان خبر اختصاصی است.»

در واقع از جمع میان «ما» و «إِنَّ» معنای جدیدی به وجود آمده که عبارت است از قصر صفت بر موصوف یا قصر موصوف بر صفت. در جمله «إِنَّمَا زید قائم»، زید منحصر به ایستادن است؛ یعنی قیام زید اثبات و دیگر حالات مانند رکوع و قعود از او نفی می شود و در جمله «إِنَّمَا الْقَائِمُ زید»، ایستادن منحصر به زید است به این معنا که از میان دیگران تنها زید ایستاده است؛^۲ مانند این آیات که خداوند متعال می فرماید: «...وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ»^۳، «إِنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا»^۴. در نتیجه از این اسناد می توان دریافت که این اختصاص همان حصر است و نمی توان قائل به این شد که با حذف «إِنَّمَا» همچنان از سیاق کلام حصر متبادر می شود.

۳-۶. مدعای سوم: دلالت «إِنَّمَا» بر مفهوم حصر کامل نبوده و نمی توان آن را اثبات کرد

شیخ انصاری در مطرح الأَنْظَار پس از بررسی اقوال درباره معنای «إِنَّمَا»، تصریح می کند که راهی برای اثبات تبادر معنای خاصی از این واژه وجود ندارد؛ زیرا «إِنَّمَا» از تعابیر اختصاصی عربی است که در موارد گوناگون استعمال شده و در زبان فارسی نیز معادل روشنی ندارد. ایشان علاوه بر این، تصریح اهل لغت را به علت اینکه خود واضع اصلی کلام نبوده و در اثر تحقیق و بعضاً اجتهاد شخصی به معنا دست پیدا کرده اند را حجت ندانسته و اعتقاد دارند که قول اهل لغت کاشف از کتاب، سنت و اجماع نیست. شیخ سپس به استناد برخی علما به روایاتی همچون: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ» یا «إِنَّمَا الْوَلَاءُ لِمَنْ أُعْتِقَ» اشاره می کند و توضیح می دهد که این موارد نیز چیزی بیش از نشان دادن یک استعمال نیست و از این روایات نمی توان وضع لفظ «إِنَّمَا» برای حصر را نتیجه گرفت؛ زیرا استعمال اعم از حقیقت است. بدین سان،

۱. انصاری، مرتضی بن محمد امین، مطرح الأَنْظَار، ۱۱۰/۲.

۲. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، البدیع فی علم العربیة، ۵۴۲/۳.

۳. بقره: ۱۱.

۴. طه: ۹۸.

حتی اشتهار این برداشت در میان محدّثان نیز نمی‌تواند شاهی کافی برای اثبات وضع معنای حصر به شمار آید.

در پاسخ به این دیدگاه لازم به ذکر است که کنار گذاشتن قول لغوی به طور مطلق پذیرفته نیست. هر فقهی در مقام استنباط، حداقل به قول دو یا چند لغوی اطمینان می‌کند. ایشان نیز در آثار خود، از باب تراکم ظنون یا انسداد به قول علمای لغت استناد کرده‌اند.^۱ از این رو اگر حجیت قول لغوی به طور مطلق مورد پذیرش نباشد، بسیاری از بحث‌ها و استدلال‌ها نیز مجمل باقی خواهد ماند؛ زیرا اظهار نظر بدون درک مفهوم کلمات امکان‌پذیر نیست و فهم معنای لغات، مقدمه‌ای ضروری برای اجتهاد و استدلال فقهی است. البته درست است که برخی از اهل لغت درباره برخی کلمات، با تحقیق یا اجتهاد یک معنا را اعلام می‌کنند و ممکن است برای درستی معنای آن کلمه، حجت قطعی وجود نداشته باشد اما در مواردی که اهل لغت به معنای یک واژه تصریح کرده‌اند، این موضوع صادق نیست؛ چراکه تصریح لغت‌شناسان به معنای واژه در حد بالایی از اعتبار قرار دارد و راهی بالاتر از تصریح آنان برای اثبات وضع وجود ندارد. لازم به ذکر است که رجوع به کتب اهل لغت، در واقع رجوع به اهل خبره است و در اصول فقه، قاعده «حجیت قول اهل خبره» جایگاه استواری دارد. علاوه بر این، گرچه استعمال منفرد دلیل بر حقیقت نیست؛ اما کثرت استعمال در متون معتبر و سیره عقلا در رجوع به اهل لغت، می‌تواند کاشف از حقیقت باشد و قرینه‌ای معتبر بر حجیت قول لغوی فراهم آورد.

از سوی دیگر، اشکال شیخ در باب تبادر نیز قابل مناقشه است؛ زیرا تبادر یک امر نسبی و وابسته به زبان فارسی نیست، بلکه معیار آن عرف همان زبانی است که لفظ در آن وضع شده است. در واقع تبادر نزد عرف واضع یا اهل زبان حجت است و معیار اصلی برای کشف وضع همان‌ها هستند. بنابراین، اگر عرب‌زبانان از تعبیر «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ»^۲ معنای حصر را به روشنی درمی‌یابند، این خود نشانگر تبادر حصر از «إِنَّمَا» است. افزون بر آن، احادیث مشابه، مانند فرمایش امام سجاده (علیه السلام) که فرمودند: «لَا عَمَلَ إِلَّا بِالنِّيَّةِ»^۳ همین معنا را تأیید می‌کند.

۱. انصاری، مرتضی بن محمد امین، المکاسب، ۳۲۱/۱ و ۸/۳.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۳۰۵/۶.

۳. همان، ۸۴/۲.

براین اساس، روایات متعدد مشتمل بر «إِنَّمَا» که غالباً بر حصر دلالت دارند، در کنار دیگر قرائن، نمی‌تواند نادیده گرفته شوند. در واقع مجموعه شواهد که شامل تصریح علمای اهل لغت، کثرت استعمال در احادیث و تبادل در عرف عرب می‌شود، یکدیگر را تقویت می‌کنند و در نهایت دلیلی قوی بر وضع «إِنَّمَا» در معنای حصر فراهم می‌آورند. از این رو نمی‌توان به سادگی پذیرفت که معنای حصر تنها از سیاق کلام فهمیده می‌شود و «إِنَّمَا» نقش تعیین‌کننده‌ای ندارد؛ بلکه پرسش جدی آن است که اگر «إِنَّمَا» از این جملات حذف شود، آیا همان شدت و صراحت در دلالت بر حصر باقی خواهد ماند؟

۴-۶. مدعای چهارم: «إِنَّمَا» به معنای حصر نیست

صاحب التفسیر الکبیر در ذیل آیه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»^۱ منکر دلالت «إِنَّمَا» بر حصر شده و بیان می‌دارد «إِنَّمَا» در این آیه به منظور حصر نیست. سپس اضافه می‌کند که شکی نیست در آیه «إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أُنْزِلَتْهُ مِنَ السَّمَاءِ...»^۲ دنیا علاوه بر اینکه به آب شبیه است، می‌تواند به چیزهای دیگری نیز شبیه باشد. همچنین آیه «إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهْوٌ»^۳ شکی نیست که لهو و لعب به غیر از دنیا در جای دیگر نیز پیدا می‌شود و منحصر در دنیا نیست.^۴ از این رو فخر رازی تلاش دارد اثبات کند که آیه ۵۵ سوره مائده، ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) بعد از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) را بیان نکرده و ولایت خاصه‌ای در این آیه مطرح نیست؛ به طوری که اظهار ولایت خاصه در این آیه را منوط به واژه «إِنَّمَا» و «ولي» می‌کند و بیان می‌دارد «إِنَّمَا» به منظور حصر نیست و واژه «ولي» معنای ناصر و یاور می‌دهد. سپس نتیجه می‌گیرد که این آیه، ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) بعد از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) را اثبات نخواهد کرد.^۵

۱. مائده: ۵۵.

۲. یونس: ۲۴.

۳. محمد: ۳۶.

۴. رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، ۳۸۶/۱۲.

۵. همان.

گرچه بررسی واژه «ولی» از موضوع این مقاله خارج است؛ اما با بررسی واژه «انما» می‌توان به بطلان این ادعا رسید. باتوجه به تفسیر ارائه شده از آیه، در میان بعضی از علماء، مشهور شده است که مؤلف التفسیر الکبیر قائل به افاده حصر برای «انما» نیست؛ در صورتی که ایشان در کتاب بلاغی خود با نام نه‌ایة الإیجاز فی درایة الإعجاز افاده حصر برای «انما» را تصریح کرده است.^۱ همچنین وی ذیل تفسیر آیات ۴۵ سورة انعام،^۲ ۱۸ و ۶۰ سورة توبه^۳ و ۱۱۰ سورة کهف^۴ دلالت حصر «انما» را پذیرفته و به آن تصریح می‌کند.^۵ از طرفی نکته جالب آن است که در فقه عامه نیز موارد مصرف صدقات بلا اختلاف و با توجه به «انما» در آیه ۶۰ سورة مبارکه توبه^۶ تعیین شده است! اما سخن ایشان در اشکال به عدم حصر «انما» ناظر به آیاتی است که افاده معنای حصر دارند و در آیات دیگر قرآن نیز مفهوم آن به شکل دیگری آمده است؛ مانند آیه ۳۲ سورة انعام که خداوند کریم می‌فرماید: «وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ» و ۶۴ سورة عنکبوت، «وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ لَهِیَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ». البته باید دانست که واژه «الدنیا» گاه به عنوان وصفی برای «الحیة» به کار می‌رود، به معنای «الحیة الدانیة» در برابر «الحیة العالیة الراقیة». در مواقعی نیز «الدنیا» مضاف الیه «حیة» است و به تمام زندگی دنیوی اشاره دارد، در مقابل «حیة الآخرة». تفاوت این دو کاربرد در این است که معنای نخست محدود به هوا و هوس، بازی و سرگرمی است، در حالی که معنای دوم به خیر و نیکی مربوط می‌شود. آیه شریفه مورد نظر، معنای نخست را در نظر دارد؛ یعنی «الحیة الدنیا» به عنوان توصیفی که حصر نیز دارد، زیرا «الحیة الدانیة» همانا بازی و لهو است. بنابراین به طور کلی، می‌توان گفت آیاتی که

۱. همو، نه‌ایة الإیجاز فی درایة الإعجاز، ص ۲۹۹.

۲. همو، التفسیر الکبیر، ۱۶۸/۱۳.

۳. همان، ۱۰/۱۶ و ۸۱.

۴. همان، ۵۰۳/۲۱.

۵. همان، ۸۱/۱۶.

۶. «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ».

به آنها استناد شده، همگی حصر اضافی دارند و استدلال‌های ارائه شده نمی‌توانند دلیل محکمی برای مدعا باشند.

۷. نوع حصر در آیه ولایت

بعد از اثبات حصر «إِنَّمَا» نوبت به تعیین نوع حصر به کار رفته در آیه ۵۵ سوره مائده می‌رسد. برخی حصر در این آیه را حصر حقیقی و برخی آن را حصر نسبی دانسته‌اند.^۱ صاحب تفسیر روح المعانی حصر در آیه را حقیقی پنداشته و به این موضوع اشکال کرده است که وجود حصر حقیقی در این آیه با امامت سایر ائمه علیهم‌السلام ناسازگار و برخلاف اعتقاد شیعه است که خلافت و امامت را منحصر به امیرالمؤمنین علیه‌السلام نمی‌داند.^۲ در جواب باید گفت که این آیه ناظر به زمان‌های بعد نبوده و ولایت سایر ائمه علیهم‌السلام با دلایل دیگر قابل اثبات است؛ از طرفی ولایت و امامت سایر ائمه علیهم‌السلام در امتداد ولایت امیرالمؤمنین علیه‌السلام قرار دارد و این اشکال ناظر به آن است که «إِنَّمَا» حصر حقیقی باشد، در صورتی که حصر در این آیه از نوع نسبی است و نه حقیقی که بزرگانی همچون، شیخ طوسی رحمته‌الله،^۳ علامه مجلسی رحمته‌الله،^۴ و علامه طباطبائی رحمته‌الله،^۵ و برخی دیگر بر این نظر هستند.^۶

صاحب تفسیر المیزان ذیل تفسیر این آیه، با بررسی آیاتی که دلالت بر ولایت تکوینی، تشریعی، هدایت و ارشاد دارند حصر «إِنَّمَا» را حصر افراد می‌داند. گویی مخاطبین خیال می‌کرده‌اند این ولایت عام و شامل همه است، چه آنان که در آیه اسم برده شده‌اند و چه غیر آنان؛ لذا چون چنین مظنه‌ای در میان بوده، قرآن ولایت را منحصر در نام‌برداران می‌کند. علامه طباطبائی رحمته‌الله همچنین حصر قلب

۱. ابن عاشور، محمد طاهر، تفسیر التحریر والتنویر، ۱۳۸/۵.
۲. آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، ۳/۳۳۳.
۳. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، ۵۶۰/۳.
۴. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ۳۲۸/۹.
۵. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴/۶.
۶. اردبیلی، احمد بن محمد، زبدة البیان فی أحكام القرآن، ۱/۱۰۸؛ محسنی، محمد آصف، صراط الحق، ۲۳۶/۳.

را نیز با در نظر گرفتن شرایطی صحیح می‌داند.^۱ در حصر قلب، گویی مخاطب ولی خود را افراد دیگری؛ مانند یهود و نصاری که در آیات قبل به آن اشاره شده است، می‌دانسته و خداوند متعال در پی تصحیح تصور اشتباه آنان، ولایت را از دیگران سلب و برای خود، رسولش و «الَّذِينَ آمَنُوا» اثبات می‌کند. همچنین از آنجا که محتمل است سوره مائده آخرین سوره نازل شده باشد، این احتمال نیز وجود دارد که مخاطب ولایت را تنها متعلق به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله متصور می‌دانسته که بعد از ایشان از بین می‌رود؛ از این رو خداوند برای دفع چنین تصویری عبارت: «... وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» را در کنار «الله» و «رسول» می‌آورد. نظرات دیگری نیز در تعیین نوع حصر در این آیه وجود دارد که این حصر را قصر افراد در مقابل صحابه معرفی کرده‌اند؛^۲ به طوری که مفهوم آیه را منحصر به زمان نزول و انحصار ولایت بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را به امیرالمؤمنین علیه السلام و نه فردی غیر از ایشان در آن زمان نسبت داده است؛ در این صورت نیز آیه در مقام بیان ولایت سایر ائمه علیهم السلام نخواهد بود. البته واضح است که چنین برداشتی درواقع همان حصر حقیقی است که پیش تر به آن اشاره شد.

نتیجه‌گیری

آیه ۵۵ سوره مبارکه مائده به عنوان یکی از آیاتی که لفظ «انما» در آن به کار رفته است، دلالت بر حصر دارد. باتوجه به مطالبی که گذشت چنین برداشت می‌شود که عرب‌زبانان از واژه «انما» معنای حصر را درک کرده‌اند. طبق نظر جمهور علمای علم نحو قرار گرفتن «ما کافه» در کنار حرف «ان» مشبیه بالفعل، دلالت بر حصر می‌کند و تصریح بسیاری از علمای علم اصول، دانشوران بلاغی و علمای علم لغت نیز گواه بر آن است که این واژه برای حصر وضع گردیده و در برخی موارد علاوه بر حصر، موجب تأکید کلام نیز می‌شود. با پذیرش وجود حصر در آیه، درک صحیح «ولی» به معنای سلطه و سرپرستی اثبات می‌گردد؛ زیرا معنای محبت عام بوده و دوستی در دین وظیفه

۱. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ۶/۶.

۲. رضوانی، علی اصغر، امام شناسی و پاسخ به شبهات، ص ۲۲۴.

همگانی است که با حصر در آیه سازگار نیست. نظرات مختلفی در خصوص حصر به کار رفته در آیه ولایت وجود دارد که با در نظر گرفتن سه حالت فرعی حصر اضافی، حداقل چهار احتمال قابل توجه مطرح است که عبارت اند از، حصر صفت بر موصوف حقیقی، حصر صفت بر موصوف اضافی از نوع افراد، قلب و تعیین. ممکن است با اتخاذ شرایطی حصر حقیقی باشد لکن حصر نسبی صحیح تر به نظر می رسد که علامه طباطبایی نیز هم قصر افراد و هم قصر قلب را برای آن پذیرفته است. در نتیجه، با توجه به آنکه سبب نزول آیه ۵۵ سورة مائده در جریان خاتم بخشی امیرالمؤمنین علیه السلام مورد قبول شیعه و قاطبه اهل سنت است و روایات متعددی از قرائت این آیه توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روز غدیر خم وجود دارد، دلالت های موجود در آیه از جمله وجود حصر در «إِثْمًا»، به خوبی اثبات گر ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام باتوجه به آیه ۵۵ سورة مائده هستند.

فهرست منابع

کتاب ها

قرآن کریم

- ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، جامع الأصول في أحاديث الرسول، محقق: عبدالقادر ارنؤوط، دار الفكر، بیروت، لبنان، ۱۴۲۰ق.
- ابن اثیر، فتحی احمد، البديع في علم العربية، علی الدین، چاپ اول: معهد البحوث العلمية وإحياء التراث الإسلامي، مکه، بی تا.
- ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، منهاج السنة النبوية في نقض كلام الشيعة القدرية، چاپ اول: جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية، ریاض، ۱۹۸۶م.
- ابن عاشور، محمد طاهر، تفسیر التحرير والتنوير، چاپ اول: مؤسسة التاريخ العربي، بیروت، لبنان، ۱۴۲۰ق.
- ابن عساکر، ابوالقاسم علی بن الحسن، تاریخ مدینة دمشق، محقق: عمرو بن غرامه، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، بیروت، لبنان، ۱۴۱۱ق.
- ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، محقق: عبدالسلام محمد هارون، دار الفكر، قم، ۱۳۹۹ش.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظيم، چاپ اول: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، بیروت، لبنان، ۱۴۱۹ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، احمد فارس صاحب الجوائب، چاپ سوم:

- دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، دار صادر، بيروت، ۱۴۱۴ق.
- ابن هشام انصاری، مغني اللبيب عن كتب الأعاريب، مازن المبارك و محمد علی حمدالله، دار الفكر، دمشق، ۱۹۸۵م.
- ابو حیان اندلسی، محمد بن یوسف، البحر المحيط في التفسير، صديقي محمد جمیل، چاپ اول: دار الفكر، بيروت، لبنان، ۱۴۲۰ق.
- اردبیلی، احمد بن محمد، زبدة البیان في أحكام القرآن، کتاب فروشی مرتضوی، تهران، ایران، بی تا.
- ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغة، چاپ اول: دار احیاء التراث العربی، بيروت، ۱۴۲۱ق.
- اصفهانی، ابو الحسن، وسیلة الأصول الی حقائق الأصول، جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم، قم، ایران، ۱۴۲۲ق.
- انصاری، مرتضی بن محمد امین، مکاسب، چاپ سی وسوم: مجمع الفكر الاسلامی، قم، ایران، ۱۴۳۷ق.
- ، مطارح الأنظار، کلانتری نوری، ابو القاسم بن محمد علی و الفاضلی علی، نسخه غیر مصحح: مجمع الفكر الاسلامی، ۱۴۲۵ق.
- انطاکی، محمد، المنهاج في القواعد والإعراب، چاپ پنجم: ناصر خسرو، قم، ایران، بی تا.
- ألوسی، محمود بن عبدالله، روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني، دار الکتب العلمیه، بيروت، لبنان، ۱۴۱۵ق.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان، البرهان في تفسير القرآن، بنیاد بعثت، قم، ایران، ۱۴۱۵ق.
- بلخی، مقاتل بن سلیمان، تفسير مقاتل بن سلیمان، شحاته، عبدالله محمود، دار احیاء التراث العربی، بيروت، لبنان، ۱۴۲۳ق.
- تفتازانی، مسعود بن عمر، المطول وبهامشه حاشية السيد مير شريف، چاپ چهارم: مكتبة الداوري، ۱۴۱۶ق.
- ، مختصر المعاني، چاپ سوم: دار الفكر، قم، ایران، ۱۳۷۶ش.
- ثعلبی، احمد بن محمد، الكشف والبيان عن تفسير القرآن، الامام ابی محمد بن عاشور، چاپ اول: دار احیاء التراث العربی، بيروت، لبنان، ۱۴۲۲ق.
- جرجانی، عبدالقاهر بن عبدالرحمن، دلائل الإعجاز في علم المعاني، چاپ اول: دار الکتب العلمیه، بيروت، لبنان، بی تا.
- جصاص، احمد بن علی، أحكام القرآن، دار احیاء التراث العربی، بيروت، ۱۴۰۵ق.

- جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغة وصحاح العربية، احمد عبدالغفور عطار، چاپ اول: دار العلم للملايين، بيروت، لبنان، ۱۴۱۰ق.
- حاج عاملی، شیخ محمد حسین، إرشاد العقول إلى مباحث الأصول، جعفر سبحانی، چاپ اول: مؤسسة الإمام الصادق، قم، ایران، ۱۴۲۶ق.
- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، معرفة علوم الحديث، سيد معظم حسين، چاپ دوم: دار الكتاب العلمية، بيروت، لبنان، ۱۳۹۷ق.
- حسکاني، عبيد الله بن عبدالله، شواهد التنزيل، محمدباقر محمودی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ایران، ۱۴۱۱ق.
- حسینی طهرانی، محمد حسین، امام شناسی، مؤسسه ترجمه و نشر دوره علوم و معارف اسلام، چاپ دوم: علامه طباطبائی، مشهد مقدس، ایران، ۱۴۱۸ق.
- حلی، حسن بن یوسف، نهاية الوصول إلى علم الأصول، چاپ سوم: مؤسسة الامام الصادق، قم، ایران، ۱۴۲۵ق.
- حویزی، عبدعلی بن جمعه، نورالثقلین، چاپ چهارم: اسماعیلیان، قم، ایران، ۱۴۱۵ق.
- خازن، علاءالدین علی بن محمد، لباب التأویل في معانی التنزیل، دار الکتب العلمیه، بیروت، لبنان، ۱۴۱۵ق.
- خراسانی، محمد کاظم (آخوند خراسانی)، کفایة الأصول، مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، قم، ایران، ۱۴۰۹ق.
- خطابی، حمد بن محمد، معالم السنن وهو شرح سنن أبي داود، چاپ اول: المطبعة العلمية، حلب، ۱۳۵۱ق.
- خطیب قزوینی، محمد بن عبدالرحمن، الإيضاح في علوم البلاغة، چاپ دوم: دار الکتب العلمیه، بیروت، لبنان، ۲۰۱۰م.
- ، التلخیص في العلوم البلاغة، شرح: عبدالرحمن البرقوقی، المكتبة التجارية، مصر، ۱۹۰۴م.
- خطیب، عبد الکریم، التفسیر القرآنی للقرآن، چاپ اول: دار الفکر العربی، بیروت، لبنان، ۱۴۲۴ق.
- خوئی، سید ابو القاسم، محاضرات في الأصول، چاپ سوم: انصاریان، قم، ایران، ۱۴۱۷ق.
- ، مصباح الأصول، مكتبة الداوري، قم، ایران، ۱۴۲۲ق.
- دیب، محی الدین و احمد قاسم، محمد، علوم البلاغة، مؤسسة الحديثة للكتاب، طرابلس، لیبی، ۲۰۰۳م.
- رازی، ابن ابی حاتم، تفسیر القرآن العظیم، اسعد محمد الطیب، چاپ سوم: مكتبة

مصطفی الباز، رياض، عربستان، ۱۳۷۱ ش.

رازى، ابو الفتوح حسين بن على، روض الجنان وروح الجنان في تفسير القرآن، محمد جعفر ياحقى و محمد مهدي ناصح، بنياد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوى، مشهد، ۱۴۰۸ ق.

رازى، محمد بن عمر، التفسير الكبير (مفاتيح الغيب)، چاپ سوم: دار إحياء التراث العربى، بيروت، لبنان، ۱۴۲۰ ق.

---، نهاية الإيجاز في دراية الإعجاز، چاپ ششم: المكتب الثقافى، قاهره، ۱۹۸۹ م. راغب اصفهاني، ابو القاسم حسين بن محمد، مفردات ألفاظ قرآن، صفوان عدنان داودى، چاپ اول: دار العلم، الدارالشامية، لبنان، سوريه، ۱۴۱۲ ق.

رضوانى، على اصغر، امام شناسى و پاسخ به شبهات، چاپ اول: مسجد مقدس جمكران، قم، ايران، ۱۳۸۶ ش.

زركشى، محمد بن عبدالله، البرهان في علوم القرآن، چاپ اول: دار إحياء الكتب العربية عيسى البابى الحلبي وشركائه، بيروت، لبنان، ۱۳۷۶ ق.

زمخشري، محمود بن عمر، الكشف عن حقائق غوامض التنزيل و عيون الأقاويل في وجوه التأويل، چاپ سوم: دار الكتاب العربى، بيروت، لبنان، ۱۴۰۷ ق.

سامرايى، فاضل صالح، معاني النحو، چاپ اول: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، ۱۴۲۰ ق.

سبكي، على بن عبد الكافى، عروس الأفراح في شرح تلخيص المفتاح، هنداوى، عبد الحميد، چاپ اول: المكتبة العصرية، بيروت، لبنان، ۱۴۲۳ ق.

سكاكى، يوسف بن محمد، مفتاح العلوم، چاپ اول: دار الكتب العلميه، بيروت، لبنان، ۱۴۲۰ ق.

سمعانى، منصور بن محمد، تفسير القرآن، ياسر بن ابراهيم و غنيم بن عباس بن غنيم، چاپ اول: دار الوطن، رياض، عربستان، ۱۳۹۶ ق.

سمين، احمد بن يوسف، الدر المصون في علوم الكتاب المكنون، چاپ اول: دار الكتب العلميه، منشورات محمد على بيضون، بيروت، لبنان، ۱۴۱۴ ق.

---، عمدة الحفاظ في تفسير أشرف الألفاظ، محمد تونجى، چاپ اول: عالم الكتاب، بيروت، لبنان، ۱۴۱۴ ق.

سيبويه، عمرو بن عثمان، الكتاب لسيبويه، چاپ سوم: مكتبة الخانجي، قاهره، ۱۴۰۸ ق.

سيد مرتضى، على بن الحسين، تفسير الشريف المرتضى، چاپ اول: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات، بيروت، لبنان، ۱۴۳۱ ق.

سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الإقتان فی علوم القرآن، فواز احمد زمرلی، چاپ چهارم: دار الكتاب العربی، بیروت، لبنان، ۱۴۲۱ق.

---، البهجة المرضیة علی ألفیة ابن مالک، چاپ نوزدهم: اسماعیلیان، قم، ایران، ۱۴۳۰ق.

---، الدر المنثور، چاپ اول: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی، قم، ایران، ۱۴۰۴ق.

---، همع الهوامع شرح جمع الجوامع فی النحو، احمد عزو عنایة، چاپ اول: دار إحياء التراث العربی، بیروت، ۱۴۳۱ق.

صدر، سید محمد باقر، الحلقة الثالثة، چاپ اول: مجمع الفكر الإسلامی، قم، ایران، ۱۴۲۳ق.

صفایي بوشهری، غلامعلی، ترجمه و شرح مغنی الادیب، چاپ دوم: قدس، قم، ایران، ۱۳۸۷ش.

طباطبایی (مجاهد)، سید محمد بن علی، مفاتیح الأصول، چاپ اول: مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، قم، ایران، ۱۳۹۶ش.

طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۳۵۲ش.

طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الأوسط، چاپ دوم: دار الكتاب المصرية، قاهره، مصر، ۱۳۸۴ق.

طبرسی، فضل بن الحسن، جوامع الجامع، چاپ پنجم: حوزه علمیه قم، قم، ایران، ۱۴۱۲ق.

---، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم: ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲ش.
طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تأویل القرآن، چاپ اول: مؤسسة الرسالة، بیروت، لبنان، ۱۴۲۰ق.

طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، سید احمد حسینی، چاپ سوم: کتاب فروشی مرتضوی، تهران، ۱۴۱۶ق.

طوسی، محمد بن الحسن، التبیان فی تفسیر القرآن، چاپ اول: دار إحياء التراث العربی، بیروت، لبنان، بی تا.

طیبی، شرف الدین الحسین بن محمد بن عبدالله، التبیان فی البیان، چاپ سوم: دارالکتب العلمیه، بیروت، لبنان، ۱۴۲۵ق.

عسکری، حسن بن عبدالله، الفروق فی اللغة، چاپ دوم: دار الآفاق الجديدة، بیروت، لبنان، ۱۴۰۰ق.

عكبری، عبدالله بن الحسين، التبيان في إعراب القرآن، چاپ اول: بيت الأفكار الدولية، رياض، عربستان، ۱۴۱۹ق.

عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، چاپ اول: مكتبة العلمية الإسلامية، تهران، ایران، ۱۳۸۰ش.

غزالی، ابو حامد، إحياء علوم الدين، عبدالرحيم بن حسين حافظ عراقی، دار الكتاب العربي، بی تا.

فارسی، ابو علی، المسائل الشيرازيات، چاپ اول: كنوز إشبیلیا للنشر والتوزيع، كويت، بی تا. فیروزآبادی، مجدالدین، القاموس المحيط، چاپ سوم: مؤسسة الرسالة للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت، لبنان، ۱۴۲۶ق.

فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، الوافي، چاپ دوم: مكتبة الإمام أمير المؤمنين علي، اصفهان، ایران، ۱۴۰۶ق.

فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح، الكبير للرافعي، چاپ اول: نشر منشورات دار الرضی، قم، ۱۴۱۴ق.

قاضی ابو یعلی، محمد بن الحسین، العدة في أصول الفقه، جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية، چاپ دوم، بی جا، ۱۴۱۰ق.

قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالكتاب الإسلامية، تهران، ۱۴۱۲ق.

قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، چاپ اول: ناصر خسرو، تهران، ایران، ۱۳۶۴ش.

کرمانی، محمد بن یوسف، تحقیق الفوائد الغیائیة، علی بن دخیل، چاپ اول: مكتبة العلوم والحكم، مدینه منوره، ۱۴۲۴ق.

کلینی، محمد بن یعقوب، الکافي، محمد آخوندی، چاپ چهارم: دار الكتاب الإسلامية، تهران، ایران، ۱۴۰۷ق.

کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفي، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول: مؤسسة الطبع والنشر، تهران، ایران، ۱۴۱۰ق.

مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، دار إحياء التراث العربي، بيروت، لبنان، ۱۴۰۳ق.

محسنی، محمد آصف، صراط الحق، ذوی القربی، قم، ۱۴۲۱ق.

مطلوب، احمد، معجم المصطلحات البلاغية وتطورها، چاپ اول: مكتبة لبنان ناشرون، بيروت، لبنان، ۲۰۰۰م.

مظفر، محمدرضا، أصول الفقه، الزارعی السبزواری، چاپ پنجم: بوستان كتاب، قم، ایران، ۱۳۸۷ش.

مکارم شیرازی، ناصر، أنوار الأصول، چاپ دوم: مدرسة الإمام علي بن أبي طالب، قم، ایران، ۱۴۲۸ق.

---، آیات ولایت در قرآن، علیان نژادی، ابو القاسم، چاپ اول: نسل جوان، قم، ایران، ۱۳۸۶ش.

موسوی خمینی، سید مصطفی، تحریرات فی الأصول، چاپ اول: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۴۱۷ق.

---، تفسیر القرآن الکریم، چاپ اول: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۴۱۸ق.

مؤید، یحیی بن حمزه، الطراز لأسرار البلاغة وعلوم حقائق الإعجاز، عبدالحمید هندای، چاپ اول: المكتبة العصرية، بیروت، ۱۴۲۹ق.

نسفی، عبدالله بن احمد، تفسیر النسفی (مدارك التنزيل وحقائق التأويل)، چاپ اول: دار النفائس، بیروت، لبنان، ۱۴۱۶ق.

نیشابوری، حسن بن محمد، تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، چاپ سوم: دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۶ق.

واحدی نیشابوری، علی بن احمد، أسباب النزول، مؤسسة الحلبي، قاهره، مصر، بی تا. هاشمی، احمد، جواهر البلاغة، چاپ پنجم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۸۱ش.

یعقوب، امیل بدیع، موسوعة النحو والصرف والإعراب، نسخه غیرمصحح، بی جا، ۱۹۹۸م.

مقالات

حسن بیگی، علی، «پاسخ به شبهه آلوسی بر امامت امامان براساس نقش «إنما» در آیه ولایت»، مطالعات تفسیری، سال دهم، شماره ۳۹، پاییز ۱۳۹۸.